

پدیدار شناسی ادراک حسی و تجربه ادراکی خانه بومی^۱ (مطالعه موردی مدبق خانه‌های منطقه موکریان)

بایزید گلابی - دانشجوی دکتری معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
قادر بایزیدی* - استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
ارسلان طهماسبی - استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
جلیل سحابی - استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر به کاوش معنای معماری خانه‌های بومی منطقه موکریان ایران برخاسته از حسیت و تجربه ادراکی می‌پردازد. هدف نهایی پژوهش، نگرش ناب به حس‌وخانه در جهت کشف رابطه عمیق آن‌ها و بیان یک روش علمی برای هویدایی ادراک حسی معماری و تجربه ادراکی خانه توأم با افشا نمودن و آشکارگی میزان درگیری حس‌ها با فضا و اهمیت خصایص هستندگی مستخرج از تجربه ادراکی در خانه‌های موکریان است. پژوهش، ابتدا با رویکرد پدیدارشناسی و سپس به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفت و نظام تحلیل آن، روش کیفی و کمی است و از روش هفت مرحله‌ای کلایزی و نرم‌افزار MAXQDA برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه مقوله هسته و از نرم‌افزار SPSS جهت سنجش آن استفاده شده است. محقق با انجام مصاحبه‌های بازو عمیق و ثبت تحریرهای میدانی در ذیل سرفصل‌های تجربه زیسته و خصائص هستندگی نسبت به گردآوری اطلاعات در خصوص یکی از فضاهای خانه به نام «مدبق(فضای پخت نان)» اقدام نموده و تفاسیر مهم با مشارکت ساکنان و تاکید بر «ادراک حسی مدبق» و «ماهیت تجارب انسانی»، تحت عبارت مهم و سپس نهایتاً ۹ تم معنی شناسایی و تدوین گردید. سپس، با یکپارچه‌کردن، مقایسه و تعمق پیرامون معیارهای به‌دست‌آمده، یک مقوله هسته تحت عنوان «خانه موکریان»: این‌همانی انسان، فضای انسان ساخت و محیط» به عنوان معنای حقیقی خاص خانه‌های منطقه موکریان ایران انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش مبین این است که توأم با حضور آگاهانه انسان در فضا، ادراک نهایی فضا بر اساس گستره آمیزه‌ای از حس‌ها بدون برتری مشهود هیچ یک از آن‌ها (خصوصاً بینایی) اتفاق می‌افتد و نهایتاً عملاً این شخصیت هستنده است که بر هستی فضای خانه و محیط آن رسوخ می‌کند و با آن‌ها یکی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خانه، ادراک حسی، تجربه ادراکی، پدیدار شناسی، منطقه موکریان

نحوه استناد به مقاله:

گلابی، بایزید، بایزیدی، قادر، طهماسبی، ارسلان و سحابی، جلیل. (۱۳۹۸). پدیدار شناسی ادراک حسی و تجربه ادراکی خانه بومی (مطالعه موردی مدبق خانه‌های منطقه موکریان). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۴(۴)، ۹۱۳-۹۲۹.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672118.html

^۱ این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «خانه، آیینی‌ی خویشتن؛ تجلی حس بودن و ادراک هستی؛ (کاوشی در مفهوم خانه‌های بومی شمالغرب ایران به روش پدیدار شناسی)» است؛ که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج در حال انجام می‌باشد.
* نویسنده مسئول
E mail: q_bayzidi@iausdj.ac.ir

مقدمه

هستی همه کائنات معلول به ادراک درآمدن توسط موجودات ذی‌شعوری چون آدمیان است که مجهز به اندام‌های حسی‌اند تا «بودن» آن‌ها را درک کنند و از کیفیت وجودشان آگاهی یابند (Arendt, 2012: 37). در مفهوم بنیادی شناخت و پردازش داده‌های مربوط به روش بودن در جهان، کل شاکله بدنی و ادراکات حسی ما «می‌اندیشد» و واسطه‌ای برای واکنش‌های رفتاری‌مان است (Pallasmaa, 2013: 124). ادراک ما کانال‌های حسی همه‌جانبه دارد، به طریقی که هم‌زمان به الگو و ساختار و معنای بیرونی اجازه تحسین شدن و درک شدن می‌دهد (Lawson, 2012: 85). ادراک، اطلاعات دستگاه‌های حسی را تفسیر کرده و به آن‌ها معنا می‌بخشد. به همین دلیل ادراک، (فرآیند سازمان‌دهی و تفسیر اطلاعات حسی جهت معنادار کردن آن‌ها) تعریف می‌شود. از میان حواس، تنها حسی که با پیشرفت تکنولوژی جامعه مصرف‌گرای امروز مورد توجه قرار گرفته‌است، حس بینایی است، تاکید بیش از حد بر لذت بصری باعث شده‌است که معماری امروز به جای انعطاف وجودی و تجربه فضایی، خود را بر استراتژی روان‌شناختی تبلیغات و تحریک‌های لحظه‌ای منطبق کند (Pallasmaa, 2014: 42). ما امروزه لذت تجربه ادراک تنانه در فضا مانند راه‌رفتن، شنیدن، لمس و بوکردن را از یاد برده‌ایم (Kim, 2013: 2). بر همین اساس باید در دوران معاصر رابطه آگاهی، ادراک و اندیشه انسان با حس‌های او و نیز حضور حسی‌اش در فضا و سهم ادراک حسی را در فرایند خلق فضا را در خانه که «هسته وجودی اصلی در جهان است و از آن هیچ‌گیزی نیست.» (Behzadfar & Shakibamanesh, 2014: 13) مورد مذاقه قرار داد. در این پژوهش؛ ما در جستجوی نقش حسیت در رویارویی و درک جهان و دیگری هستیم. با توجه به آنکه در پدیدارشناسی محیط ساخته‌شده، دریافت داده‌های حسی و تبدیل آن‌ها در فرآیندهای پردازش ذهنی و بازنمایی و تداعی به معانی، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، پرداختن به احساس معماری و ادراک آن اهمیت می‌یابد. نگاه ظریف پدیدارشناسانه به خانه در جهت تبیین رابطه آگاهانه ما و جهان، در منطقه‌ای بکر، غنی و کمتر مطالعه‌شده تحت عنوان منطقه «موکریان»، در جنوب استان آذربایجان غربی و عمدتاً کردنشین، با تاکید بر حس و ادراک انسان در خانه صورت‌گرفته و در صدد شناسایی ساختارهای اصلی نسبت میان حس‌های انسان، ادراک فضای خلق‌شده با مطالعه موردی یک فضای خانه -مدبق- و کشف معنای عمیق مستتر در حسیت و تجربه ادراکی خانه در سکونتگاه‌های این منطقه بوده‌است. پس از بررسی مفاهیم و مبانی نظری و ارائه روش شناسی پژوهش، نسبت به بررسی ماهیت حضور بشری در خانه‌ها، از منظر جهان زیسته پژوهشگر و تجربه افراد و گروه‌های درگیر ابتدا از رویکرد پدیدارشناسی و سپس از رویکرد توصیفی-تحلیلی برای سنجش میزان درگیری حس‌ها در فضا و اهمیت عبارات مستخرج از تجربه ادراکی خصایص هستندگی فضا، برای نیل به اهداف پژوهشی ذیل، اقدام شد: ۱- نگرش ناب به حس و خانه در جهت کشف رابطه عمیق آن‌ها از منظر پدیدارشناسی. ۲- بیان یک روش علمی برای هویدایی ادراک حسی معماری برخاسته از حسیت و تجربه ادراکی خانه. ۳- افشاندن و آشکارگی میزان درگیری حس‌ها با فضا و اهمیت خصایص هستندگی مستخرج از تجربه ادراکی خانه‌های موکریان. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این دو سوال اصلی است:

- ۱- کشف یا بازشناسی مفاهیم مستتر در حسیت و تجربه ادراکی خانه به مدد پدیدارشناسی چگونه روی می‌دهد؟
 - ۲- با فروکاست شأن حواس پنج‌گانه و تمرکز افراطی بر حس بینایی در دنیای تصویری امروز، سایر حواس انسان چه نسبتی با ابعاد جسمانی خانه‌های منطقه موکریان دارد و چگونه بر آن‌ها پدیدار خواهد شد و به آن‌ها پیوند می‌خورد؟
- گرچه تا کنون پژوهش‌های متفاوتی در زمینه پدیده سکونت و خانه صورت پذیرفته‌است، اما نظریه منسجمی با تدقیق در زمینه ی احساس و حسیت و معنای برخاسته از آن‌ها در مورد خانه تدوین نشده است. مطالعات انجام‌شده بیانگر آنست که: احساس در زبان عادی کلمه‌ای مأنوس و آشناست، و این مفهوم در نظر اول «بی‌واسط و بدیهی» می‌نماید (Carmen, 2012: 76). مرحله احساس از ابتدای دریافت اطلاعات تا انتقال آن به مغز را شامل می‌شود، بدون اینکه در بردارنده تحلیل و اعمال بعدی مغز روی این اطلاعات باشد (Pakzad, 2012: 61). رابطه بشر با درک او از فضا به وجود آورنده کنش‌های او است و بیش از هر چیز ترکیبی از چندین داده بدنی حسی مانند بویایی، حرکت، شنوایی، بینایی و غیره است (Hall, 2013: 215). ادراک چیزی بیش از احساس صرف است. ادراک، روندی فعال است که از طریق آن دنیای اطراف خود را می‌فهمیم. برای درک محیط به احساس اتکا می‌کنیم، ولی به طور معمول تجربه تمام حس‌ها را بدون تحلیل خودآگاه، تلفیق می‌کنیم (Lawson, 2012: 45). آگاهی انسان از امور نیز نخست معطوف به ادراک پدیده‌ها از طریق حواس است. سارتر معتقد به آگاهی ماقبل‌تأملی و آگاهی تأملی است و اولی را

معطوف به التفات به پدیده‌ها و دومی را معطوف به تأمل در آن‌ها و مستلزم تخیل می‌داند (Copelston, 2009: 407). در ادراک حسی، انسان شیء را می‌بیند یا لمس می‌کند یا می‌بوید یا می‌شنود یا می‌چشد و از این طریق، صورتی از آن شیء در ذهن او نقش می‌بندد که مبتنی بر اطلاعات دریافتی از حواس پنج‌گانه است (Ebrahimi Dinani, 2002: 7).

مرلوپونتی با بیان اینکه «بدن من هسته اصلی جهان است» (Merleau-ponty, 2012: 84)، معتقد به وحدت و آمیختگی میان حواس انسانی است که در آن حس بینایی و سایر حواس، از یکدیگر مجزا و غیرمرتبط نیستند. در نتیجه، ادراک متشکل از مجموع‌های از داده‌های به‌دست‌آمده از حواس بینایی، بساویی و... نیست، بلکه فرد با تمامیت وجودی‌اش درک می‌کند. تجربه نزد مرلوپونتی به طور اجتناب‌ناپذیری چندحسی است. «حواس پنج‌گانه که نخستین وسیله دستیابی ما به عالم هستند، مجزا از یکدیگر نیستند. بلکه تشکیل‌دهنده یک ساختارند که در یک هیئت کلی سازمان یافته‌اند» (Piravi Vanak, 2010: 70).

پالاسما معماری را در ارتباط مستقیم با جسمانیت دنیا و کالبد انسانی را به عنوان ضمیمه‌هایی بر حس لامسه -مادر تمامی حس‌ها- مطرح می‌کند. به‌زعم وی با ظهور دوران مدرن گسستی عمیق در قلمروی ادراکات حسی پدیدار شده‌است. پالاسما تأکید بر تکنولوژی و فقر ادراک محیطی بینایی را عامل به وجودآورنده حس بیگانگی در معماری معاصر می‌داند. تصویرسازی کامپیوتری ... با فروکاستن از قدرت تخیل و ادراک حسی، ادراک بینایی را به ابزاری زائیده تصاویر بدل ساخته و اشیا را در حد روابط صوری تنزل داده‌است (Pallasmaa, 2014: 11). اکبری و فلامکی بیان می‌کنند که حضور در فضای مصنوع و درگیری کامل ادراکات حسی انسان با فضا و وجود عناصر معنابخش (داده‌های حسی) در آن، بستر ایجاد خاطرات فردی و جمعی را فراهم می‌کند، موجب به‌یادآوری کیفیت فضایی تجربه‌شده در زمان‌های آینده خواهدشد و آگاهی جمعی از کیفیت مد نظر را موجب می‌شود (Akbari & Falamaki, 2016: 7). در خاتمه پژوهش تأکید می‌کنند که اساساً در هر اثر هنری ما به نحوی تشدیدشده با خویشتنمان، با عواطف خودمان و با بودنمان -در- جهان مواجهیم. هر تجربه هنری و معمارانه حقیقی اصولاً آگاهی شدید از خویشتن است (Akbari & Falamaki, 2016: 19). فلاح‌ت تأکید می‌کند حس مکان که برپایه حس خوشایند هماهنگی و آشنایی با محیط، در پی ادراک معانی آن شکل می‌گیرد موجب انسانی‌شدن فضا و در نتیجه برقراری ارتباط، افزایش مقبولیت و تمایل افراد به حضور و بهره‌برداری از مکان می‌شود، به گونه‌ای که نقشی تعیین‌کننده در میزان جذب مخاطبان و انجام فعالیت در فضا دارد، عاملی که حیات یا مرگ فضا وابسته بدان است (Falihat et al, 2017: 16).

تعمق در زندگی آنان و کاوش چپستی مفهوم واقعی خانه و معانی بنیادین آن در تجارب و اندیشه انسان و هویدایی ادراک حسی معماری برخاسته از حسیت و تجربه ادراکی خانه و آشکارگی میزان درگیری حس‌ها با فضای خانه‌ها با بررسی مفاهیمی همچون ادراک حسی و تجربه ادراکی و ارتباط تنگاتنگ و چند سویه آن‌ها در پرتو بروز تفاسیر ناشی از خوانش پدیدارشناسانه میسر است.

ادراک حسی

ادراک حسی فعل مقدماتی یافت معانی است که بیش از هر تفسیری از ناحیه ما در عالم حاضر است یا نوعی فعل وجودی است که موضع ما در آن صرفاً منفعل نیست، بلکه عالمی در ضمن آن بر ما پدیدار می‌شود (Ebrahimi Asl, 2017: 68). آنچه که ما از جهان درک می‌کنیم داده‌هایی منفصل و موضوعاتی برای شناخت عقلانی نیستند بلکه در ادراک کردن، ما چیزها را با تمام بدنمان دریافت می‌کنیم. ادراک جهان، حاصل درهم تنیدگی همه حس‌های ما با هم و با جهان است (Hopp, 2012: 153). جهان ادراک حسی، جهانی است که از طریق اندام‌های حسی و در زندگی روزمره برای ما عیان می‌شود (Asghari, 2015: 3).

تجربه ادراکی

یک اثر هنری تنها هنگامی واقعیت پیدا می‌کند که تجربه شود، و تجربه یک اثر هنری، به منزله بازآفرینی وجوه احساسی آن است (Pallasmaa, 2014: 53). "تجربه" در این زمینه، نه انباشته‌شدن شواهد و یا آگاهی، بلکه آنچه روی داده‌است می‌باشد که الزاماً تحت تسلط ما نیست (Friesen et al, 2012: 1). در فلسفه ادراکات حسی، همه آنچه در تجربه‌های حواس پنج‌گانه، خواه ادراکی و خواه غیر آن، مورد «حس شدن» قرار می‌گیرد داده‌های حسی نامیده می‌شوند (Fish, 2012: 40). داده‌های حسی سازنده تجربه‌اند، هر چند تجربه حسی ما انباشته‌ای از داده‌های معین و مجزا نبوده، بلکه اساساً در گستره پدیداری شکل می‌گیرد؛ گستره‌ای که ... بر جهت‌گیری نظرگاهی تجربه ادراکی استوار است. ساختار جهت‌مندانه ادراک در گستره پدیداری به معنای جهت‌گیری

تجربه در فضایی مادی بوده و درآمیخته با جسمانیت و امکانات حسی و حرکتی ما است (Sebti & Khabbazi, 2016:95).

پدیدارشناسی

تجربه کردن عینی معماری یعنی لمس کردن، دیدن، شنیدن و بوییدن کالبد آن (Zumthur, 2015:76). بدن، یک منبع اساسی آگاهی و ادراک است (Diprose, 2012). یک تجربه معماری چشم‌گیر، کلیه گیرنده‌های فیزیکی و روانی ما را حساس می‌کند. درک ساختار احساس، به خاطر گستردگی و گوناگونی آن دشوار است. در تجربه، ما ترکیبی زیست‌شناختی، فرهنگی، جمعی، فردی، خودآگاه، ناخودآگاه، تحلیلی، عاطفی، ذهنی و فیزیکی می‌یابیم (Pallasmaa, 2014:54). «تجربه معماری، موردی چندحسی است؛ کیفیات ماده، فضا و مقیاس به گونه‌ای برابر به وسیله چشم، گوش، دماغ، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند. معماری تجربه وجودی و حس در جهان بودن فرد را تقویت می‌کند، و این در اصل به تجربه‌ای غنی از خود می‌انجامد» (Pallasmaa, 2014:111-112). پدیدارشناسی بر وحدت زندگی و مکان تأکید دارد. پدیدارشناسی به درک کامل رفتار انسانی کمک می‌کند (Stefanovic, 2015:40). در پدیدارشناسی پدیده مورد مطالعه بر اساس دیدگاه معرفت‌شناختی تفسیری و برپایه ذهنیت افراد و معنایی که آنان در تجربه زندگی خود از پدیده دارند، بررسی می‌شود. چرا که هر فرد با توجه به تجربه خود در زندگی، از این پدیده معنی می‌سازد (Bazargan Harandi, 2008:156). هدف اصلی پدیدارشناسی، بازگشت به ماهیت اشیا می‌باشد (Zumthur, 2015:110)، که طرح مسئله این تحقیق است. پدیدارشناسی هنر ظریف مواجهه با جهان است (Pallasmaa, 2014:12). پدیدارشناسی، برای شناسا کردن پدیده‌ای می‌کوشد که مستقیماً برگرفته از آگاهی است. از دیدگاه پدیدارشناسانه در واقع قضاوت حسی، ملاک ارزیابی فضا و واکنش نسبت به آن بوده و تصمیم به ادامه حضور در فضا و استفاده از آن و همچنین تمایل به مراجعه مجدد یا خودداری از آن را رقم می‌زند (Falahat et al, 2017:16). با تقلیل پدیدارشناسانه و در میان پرانتز نهادن وجود زمان-مکانی پدیدارها و با تمرکز بر ساختارهای ضروری آگاهی، سوژه به طور آغازین به درک مستقیم پدیدارها درون آگاهی محض و ماندگار دست می‌یابد (Pirovolakis, 2013:103).

از آنجا که اساس رویکرد پدیدارشناسانه ادراک حسی و تجربه بدنی انسان با جهان است، تمرکز بر حسیت و ادراک حسی جزئی از تجربه خانه و ادراک هستی به شمار می‌رود؛ از سوی دیگر، نسبت میان ادراک و بدن، نه علی است نه مفهومی، ... انطباق‌ها و وابستگی‌های بین بدن و تجربه ادراکی برای ما قابل فهم است (Carmen, 2011:125)، هایدگر از طریق پدیدارشناسی هرمنوتیکی اثر، نشان می‌دهد اثر هنری برپاکننده عالمی است که در آن نسبت‌هایی که با وجود و حقیقت ایجاد می‌شود، آشکار می‌گردد. وی از این طریق راهی به سوی فهم وجود می‌گشاید، و در نتیجه هنر را با حقیقت پیوند می‌زند (Mostafavi, 2012:54).

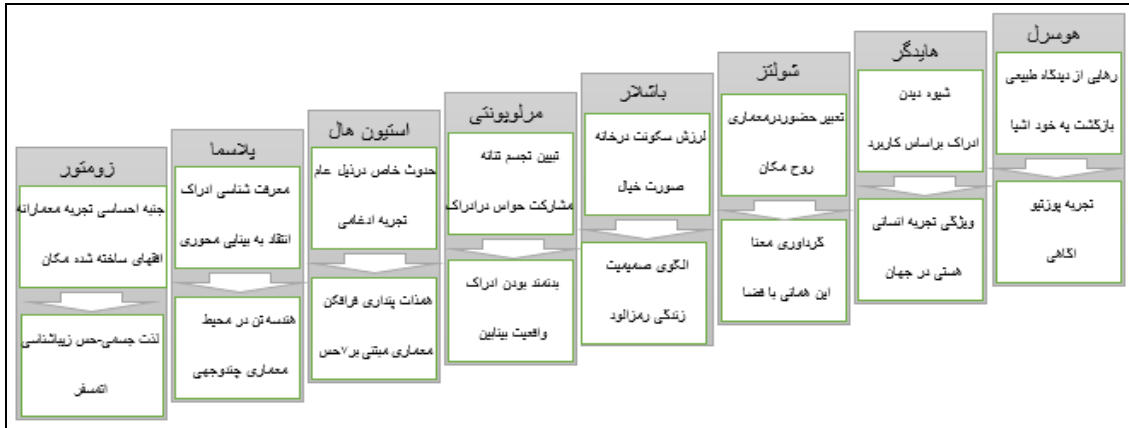
جدول ۱. رویکرد پدیدارشناسانه به معنای خانه، مأخذ: نگارندگان

خلاصه ی اندیشه و نظریه در باره پدیدار شناسی خانه	نظریه پرداز
حس تعلق به مکان از خانه و در ارتباط با وقایع و رخداد‌های خانه و اطراف آن شکل می‌گیرد (Buttimer & Seamon, 1980).	باتیمر و سیمون
خانه همانی است که بستر کالبدی و اجتماعی تجربه زندگی را برای ما فراهم می‌سازد (Castelles, 1977).	سیچیارولی
خانه نه تنها یک مکان و ساختار کالبدی است، بلکه بازتاب روانشناختی و معنای اجتماعی نیز دارد (Saegert, 1985).	ساگرت
فلسفه بواقع دلتنگی برای خانه است، اشتیاقی درونی برای در خانه بودن در همه جا (Frederick C, 2014).	نوالیس
خانه جایی است که مردم احساس می‌کنند روی محیط کنترل دارند، از پاییده شدن راحت هستند و می‌توانند خودشان باشند؛ در عمیقترین احساس روا نشناختی، در جهانی که ممکن است بارها تهدید کننده و غیرقابل کنترل تجربه شود (Saunders, 1990, 361).	ساندرس
خانه به لنگرگاهی روانی بدل شده و احساسی از امنیت، اعتماد و رضایت را با خود به دنبال دارد (Tsai, 2012).	تسای
خانه مرکز فضایی زندگی روزانه و وجود ماست که کیفیت ثابت را فراهم می‌کند (Dove, 1985).	دووی

سیر تحول نگاه پدیدار شناسان به خانه

رویکرد پدیدارشناسی که از آغاز با روش هوسرل مبتنی بر رهایی از دیدگاه طبیعی و بازگشت به خود اشیا بناگردید، در ادامه روند پدیدارشناسانه، با تمرکز بر شیوه دید و حضور در معماری، جنبه‌های احساسی تجربه‌های معمارانه را مورد مذاقه قرار داده و معرفت

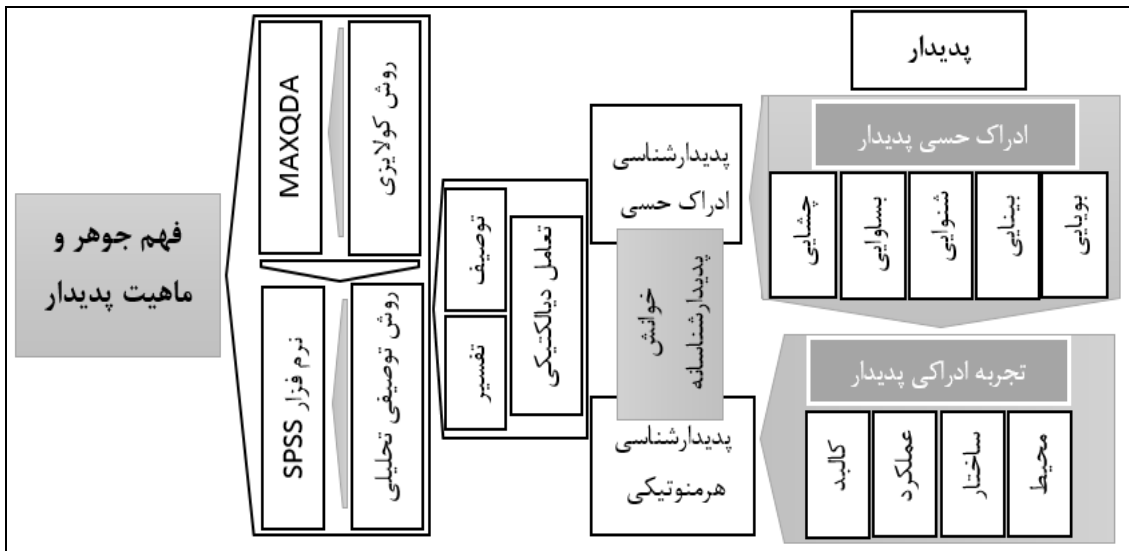
شناسی ادراک، حس زیبایی شناسی و لذت جسمانی را برجسته نموده است. گزیده‌ای از این سیر تحول در نمودار شکل ۱ ارائه گردیده است.



شکل ۱. نمودار سیر تحول نگاه پدیدارشناسان به خانه، مأخذ: نگارندگان

مدل مفهومی پژوهش

در جهت نیل به اهداف پژوهش و آشکارگی ادراک حسی خانه از منظر پدیدارشناسی و با توجه به مطالب مطروحه مبانی نظری، مدل مفهومی تحقیق در شکل ۲ قابل تدوین است.



شکل ۲. نمودار مدل مفهومی و چارچوب نظری تحقیق، مأخذ: نگارندگان

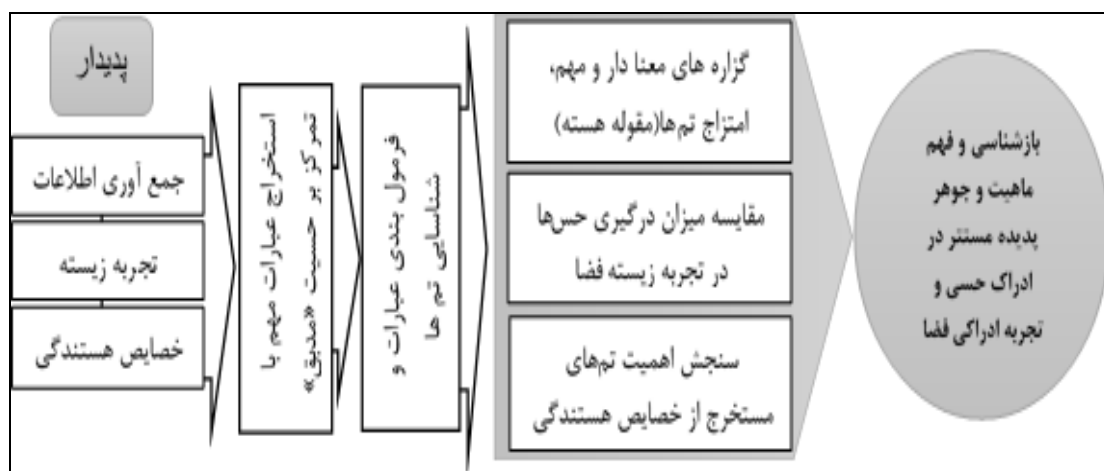
روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش ترکیبی (کمی و کیفی) و ابتدا با رویکرد پدیدارشناسی و سپس به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفت. در این پژوهش ابتدا برای استخراج معنی از دل ادبیات این مفهوم و تجربه زندگی مردمان در آن، از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. نمونه‌ها (رویدادها، فضاها، وقایع، و موقعیت‌ها و به خصوص مردم) را بر اساس "میزان روشنایی بخشی" روندی انتخاب نموده‌ایم که پژوهش تا آن مرحله طی نموده است. با توجه به این شیوه نمونه‌گیری به نظرمی‌رسد که به قاعده‌ای نیاز داریم تا براساس آن زمانی را برای توقف روند نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات در نظر بگیریم، این قاعده را اشباع نظری در اختیار قرار می‌دهد (Flick, 2008: 139). «اشباع بدین معنی است که هیچ داده تازه و مهمی به دست نیاید و مقوله‌ها به خوبی از لحاظ

ویژگی‌ها و ابعاد پرورده شده باشند» (Strauss & Carbine, 2013:233). براین اساس نمونه‌گیری زمانی پایان می‌یابد که افزودن بر نمونه‌ها چیز جدیدی به یافته‌های محقق اضافه نکند. لذا با ۸۳ نفر از ساکنان خانه‌ها و ۱۶ نفر از مطلعین محلی محدوده مطالعاتی مصاحبه‌ها با فردی و جمعی تا حصول به اشباع نظری انجام شده‌است. از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا پس از پاسخ به سوالات مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند، توصیف‌های مدبق خانه‌ای را که از آن استفاده کرده‌اند ارائه نمایند. سپس شرکت‌کنندگان با راهنمایی تیم پژوهش خانه‌ها را بر حسب ایده کلی "ادراک حسی مدبق برای من" و "ماهیت تجارب انسانی" (نمود بیرونی و آگاهی درونی مبتنی بر حافظه و تصورات و خاطره‌ها) به دسته‌هایی طبقه‌بندی کردند. معیارهای دسته‌بندی توسط شرکت‌کنندگان ایجاد گردید و دسته‌بندی تا اتمام ایده‌ها ادامه یافت.

استراتژی تحلیلی داده‌ها، بر اساس روش هفت‌مرحله‌ای کلاسیکی است که شامل موارد ذیل می‌شود: ۱- خواندن تمام توصیف‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان، برای به دست آوردن احساس مشترک و مأنوس شدن با آن‌ها؛ ۲- استخراج جمله‌های مهم مرحله قبل؛ ۳- فرموله کردن معانی یا پی‌بردن به معانی جملات مهم؛ ۴- قرار گرفتن معانی فرموله‌شده و مرتبط به هم در خوشه‌هایی از تم‌ها (موضوعات اصلی)؛ ۵- تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش؛ ۶- فرموله کردن توصیف جامع پدیده تحت مطالعه به صورت بیانیه‌ای صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه: «ساختار ذاتی پدیده»؛ ۷- مراجعه مجدد به هر یک از شرکت‌کنندگان و انجام یک مصاحبه منفرد برای اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها. تحلیل اطلاعات به دست آمده از تحلیل داده‌ها، نمایش داده‌ها، دگرگونی و تبدیل داده‌ها با نرم افزار MAXQDA آغاز و در ادامه همبستگی، یکپارچگی و مقایسه آنها صورت پذیرفته و نهایتاً به ادغام داده‌ها منتهی گردیده‌است و گزاره‌ها نمایان گردیدند. تم‌های معنی به دست آمده از تلفیق گزاره‌ها در سطح دوم، با توجه به شناسایی واحدهای معنی، گزینش و در سطح سوم تم‌های معنادار و مهم پس از امتزاج مقوله هسته را نمایان ساخته‌اند و نتایج، در جداولی ارائه گردید. اعتبار یافته‌ها بر اساس معیارهای اعتبار پاسخگو، تبیین کنترل شده و همچنین اعتبار برپایه رویه تحقیق (Flick, 2008:417) سنجیده شده است.

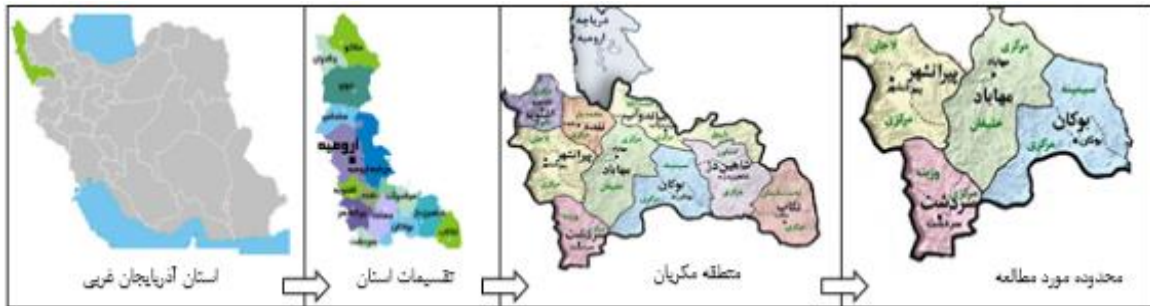
به منظور مقایسه میزان درگیری حس‌ها در فضا، با توجه به میزان تکرار هر عبارت مربوط به یک حس در مصاحبه‌ها، از آزمون ANOVA و LSD استفاده شده‌است و در راستای سنجش اهمیت عبارات مستخرج از خصایص هستندگی، بر اساس طیف پنج گانه لیکرت از کارشناسان مطلع به تعداد ۳۱ نفر به صورت تمام‌شماری (از ۶۷ کارشناس محلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی مرتبط، با توجه به اشرافیت بر موضوع، تنها ۳۱ نفر اعلام آمادگی نمودند) و از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شده است. شایان ذکر است جهت انجام آزمون‌های فوق، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده‌است. جهت سنجش پایایی و روایی ساختاری پرسش‌نامه ارایه‌شده به کارشناسان، از آزمون‌های آلفای کرونباخ، KMO، و بارلت در نرم‌افزار SPSS استفاده شده‌است. نگارندگان گام‌های زیر را برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش پدیدارشناسی به صورت چرخشی و رفت و برگشت مدام مسیر برگزیده‌اند، که در شکل ۴ بیان گردیده‌است.



شکل ۳. نمودار مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها، مأخذ: نگارندگان

قلمرو جغرافیایی پژوهش

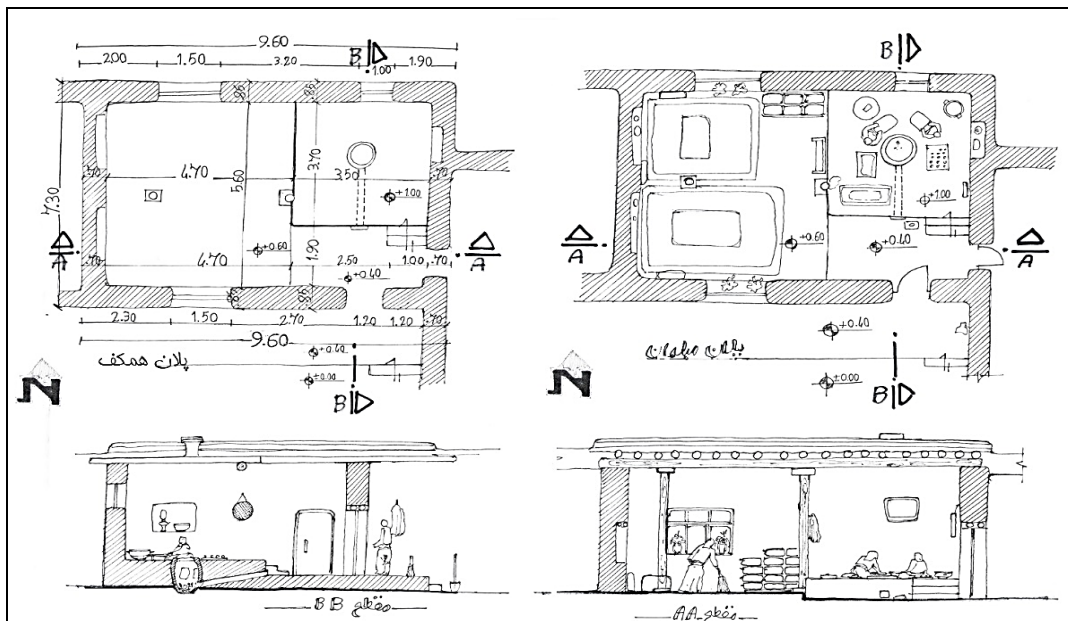
منطقه موکریان، واقع در جنوب استان آذربایجان غربی متشکل از نه شهرستان شامل بوکان، مهاباد، میاندوآب، پیرانشهر، نقده، تکاب، سردشت، شاهین دژ، اشنویه می‌باشد. در این محدوده نوعی از معماری که هویت و اصالت خود را حفظ نموده و دارای شاخص‌های ارزشمند مطالعاتی می‌باشد، در قالب خانه‌های روستایی در روستاهای برایمه، دهبکر، پایین‌دره، بیرم در شهرستان مهاباد، روستاهای زمزیران، قلعه رش، نستان، سیسر از شهرستان سردشت، روستاهای خورنج، هواری کانی زرد، برده رشان، برده قل از شهرستان پیرانشهر، روستاهای حمامیان، پاش بلاغ، لگز، برده زرد از شهرستان بوکان، شناسایی گردیده و به روش پدیدارشناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



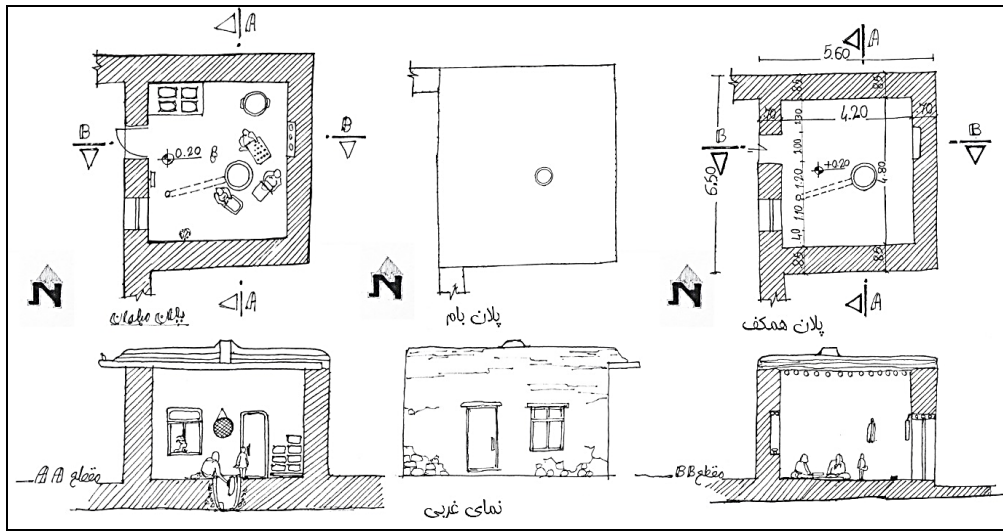
شکل ۴. نقشه موقعیت جغرافیایی روستاهای محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

در راستای حصول به اهداف پژوهش بخشی از خانه‌ها تحت عنوان فضای مدبق (محل پخت نان عمدتاً و غذاهای سنتی گاه‌ها) در محدوده مطالعه، مورد بررسی، تحقیق و شناخت مستقیم و بی واسطه (بازگشت به خویشتن) با مشارکت ساکنان و مصاحبه شوندگان قرار گرفته تا بازشناسی و یا کشف دوباره واقعیت و انعکاس تجربه‌های اصلی و رای زندگی مبتنی بر حسیت و تجربه ادراکی روزمره در چارچوب پژوهش میسر گردد. پلانها، مقاطع و نماهای نمونه‌های مورد بررسی با حضور توأم انسان و اشیا به صورت میدانی ترسیم گردیده‌اند. ترسیمات شکل ۵ نمونه‌ای از این فضاها را به صورت آمیخته با خانه به تصویر کشیده‌است و ترسیمات شکل ۶ بخشی از برداشتهای میدانی فضای مورد مطالعه (مدبق مجزا از فضای زندگی) را در محدوده نمایش میدهد.



شکل ۵. بخشی از برداشتهای میدانی فضای مورد مطالعه (مدبق آمیخته با فضای زندگی)



شکل ۶. بخشی از برداشتهای میدانی فضای مورد مطالعه (مدبق مجزا از فضای زندگی)

نتایج مطالعه خصائص هستندگی مبتنی بر ۱- قطعات و اجزا در معنای فضایی؛ ۲- رویدادها و توالی‌ها در معنای زمانی؛ ۳- کیفیتها و ابعاد، اشیا و اقدامات، کل و جز؛ ۴- استقرارها، محلها، محیطها و فضاهای اطراف؛ ۵- عرصه درونی و بیرونی، شروط لازم، آثار و نتایج؛ ۶- هسته‌ها و نقاط کانونی، حاشیه‌ها و افقها؛ ۷- شفافیت، قلمرو، تمرکز و محصوریت؛ ظاهر شدن و محوشدن، که در جدول ۲ بیان گردیده‌اند، آشکار نمود که مدبق خانه‌ها، مکانهایی هستند درگیر هستند ای که در آنها می‌هستند و تحت شئونی نوع تعامل وی با اشیا و چستی زندگی را میسر می‌سازند. هستنده نیز درک می‌کند چگونه و با چه کیفیتی در این فضاها ظاهر شود و جهت‌بگیرد، رفتار کند و درون آن به درکی از محیط پیرامونی برسد و روابطی معنادار با دیگر هستنده‌ها بیافریند.

جدول ۲. استخراج مقوله هسته با تمرکز بر تجربه ادراکی خصایص هستندگی فضا توسط پژوهشگران

مقوله هسته	تیم معنا	کد فرعی	تصاویر	تفاسیر و عبارات مهم با تمرکز بر تجربه ادراکی خصایص هستندگی فضا	ردیف
مراوده زیانمند انسان، بنا و محیط	همسپنی صمیمی	محیط		گسترش بنا بر محیط، در دل خورشید، در آغوش باد، در پناه اقلیم و بستر و حاشیه‌اش	۱
				پوسته برآمده از محیط، مواد و اشیا انسان ساخت طبیعی و بوم‌آورد در دسترس و آشنا	۲
				حرایم ذهنی فرد حاکم بر مرزها و حدود کابندی اشیا، پویایی ارتباط درون و برون	۳
	فضای زبان مند	ساختار		صمیمیت ملموس و ذاتی کاربر با جدارها و مصالح طبیعی آن‌ها و اشیا مورد استفاده	۴
				انسجام فضایی و هندسه ناب مبتنی برخوانایی فضا، یکپارچگی در عین گونه‌گونی	۵
				بوی خاص آتش و دود در هم‌آمیختگی بوهای متعدد، یادآور خاطرات کودکی	۶
				تعادل در نیاز فضایی و مقدار ساخت، حضور بی‌واسطه، کاربردی و هم‌نشینی ناب مواد	۷
	میان آرامش و اغوا	عملکرد		بدنمندی و نظم پنهان مستتر در آشفتگی ظاهری چیدمان اشیا و رفع نیاز کاربر	۸
				گرمای برخاسته از صمیمیت و روابط اجتماعی انسانی و تکرار مداوم و ریتمیک عملکرد	۹
				سترند عرق جبین، بازآفرین خاطره و گسترنده خیال، سایه امنیت و آرامش روزی	۱۰
				تجربه حسی ناشی از تماس بی‌واسطه و درک ساختار مواد و طعم نهایی توسط پوست	۱۱
				موسیقی خوش‌نوا، حضور انسان و عملکرد پخت، جلوه‌گاه بروز آهنگین طبیعت بیجان	۱۲
	نظم متواضع	کالبد		فرم ساده منطبق با عملکرد فضا با رعایت ابعاد، مقیاس و آرایش اشیا و قلمرو انسان	۱۳
				حذف عناصر پیرایه‌ای و عناصر غیر ضروری، آرامش خاص مبتنی بر این‌همانی با فضا	۱۴
				شفافیت و انتزاع در بنا در عین سلسله مراتب دعوت‌کنندگی آشکار، گشوده و زبان مند	۱۵

ماخذ تصاویر مدبق از بالا به پایین: محمد مراد آکویی، منصور محمدی، خلیل فقه عیسی و نگارنده‌گان می‌باشد.

پژوهش هویدا نمود که عملاً این شخصیت هستند است که بر هستی فضای خانه و محیط آن رسوخ می‌کند و با آن‌ها یکی می‌شود. این رابطه را که اساساً رابطه‌ای هستی‌شناختی است با اصطلاح تقاطع بیان می‌گردد. ایده تقاطع ایده در یکدیگر هستن است و بدین معناست که هر رابطه‌ای با هستی به طور همزمان تصرف کردن و به تصرف درآمدن، به چنگ گرفتن و قبضه شدن است، ایده محاط بودن در همان هستی‌ای که به چنگ‌اش گرفته‌ایم. در راستای سنجش اهمیت عبارات مستخرج از تجربه ادراکی خصایص هستندگی فضا، ابتدا نتایج پایایی و روایی سازه‌ای مولفه‌های سنجش شده با استفاده از آزمون‌های آلفای کرونباخ و KMO و بارتلت ارائه می‌شود (جدول ۳).

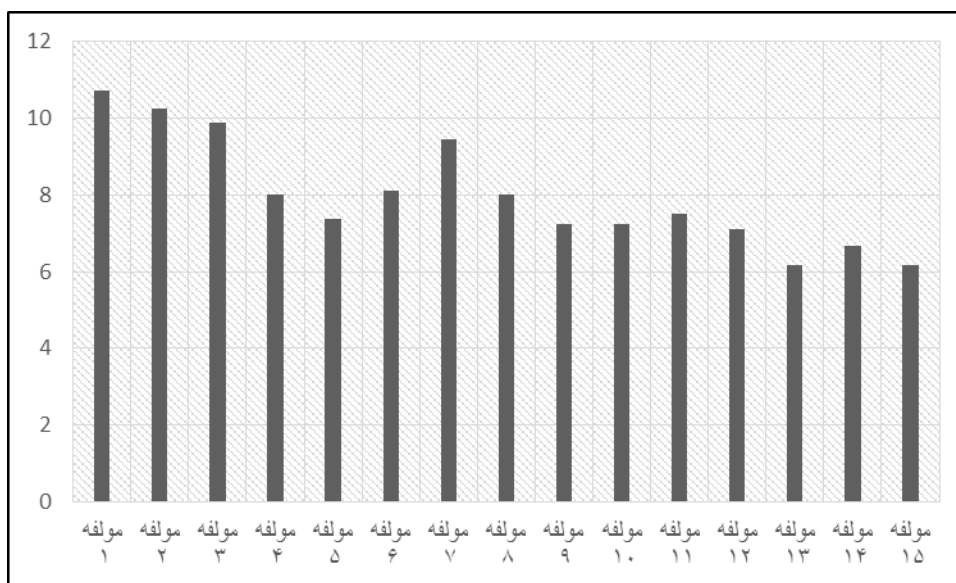
جدول ۳. نتایج آزمون آلفای کرونباخ، KMO و بارتلت

متغیر	تعداد مولفه ها	آلفای کرونباخ	KMO	بارتلت	
				درجه آزادی	معنی داری
محیط	۳	۰/۷۲۰	۰/۶۵۱	۳	۰/۰۰۰
ساختار	۴	۰/۷۰۱	۰/۷۲۶	۶	۰/۰۰۴
عملکرد	۵	۰/۷۲۰	۰/۷۰۸	۱۰	۰/۰۰۰
کالبد	۳	۰/۷۰۲	۰/۶۳۵	۳	۰/۰۰۱

همچنان که مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد، مقدار آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که این مقادیر نشان از پایایی مناسب پرسشنامه دارد. به منظور بررسی روایی محتوایی از نظر کارشناسان و اساتید مرتبط با موضوع استفاده شده است و پس از بررسی سوالات اولیه و اعمال تغییراتی در ماهیت و تعداد سوالات، در مجموع ۱۵ سوال جهت سنجش تأیید شدند. در ارتباط با سنجش روایی سازه‌ای نیز مشخص می‌شود که مقدار KMO بالاتر از ۰/۶ می‌باشد که این مقدار نشان از کفایت حجم نمونه دارد. همچنین آزمون بارتلت با مقدار کمتر از ۰/۰۵ معنی دار شده که نشان می‌دهد شاخص‌های سنجش شده همبسته‌اند و سوالات از روایی ساختاری مناسبی برخوردارند. جهت حصول به نتایج دقیق‌تر در زمینه تبیین اهمیت مولفه‌های خصایص هستندگی فضای مدبق خانه‌های منطقه موکریان، از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شده است تا نتایج حاصل از رتبه‌بندی مولفه‌های مستخرج از پدیدارشناسی پژوهشگران مبتنی بر خصایص هستندگی، توسط کارشناسان مشخص شود (جدول ۴ و ۵ و شکل ۷).

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس فریدمن برای متغیرهای مورد مطالعه، منبع: یافته‌های تحقیق

میانگین رتبه	متغیر	خصیصه هستندگی
۱۰/۷۴	مولفه اول	محیط
۱۰/۲۶	مولفه دوم	
۹/۹۰	مولفه سوم	
۸/۰۳	مولفه ۴	ساختار
۷/۳۹	مولفه ۵	
۸/۱۱	مولفه ۶	
۹/۴۵	مولفه ۷	
۸/۰۲	مولفه ۸	عملکرد
۷/۲۶	مولفه ۹	
۷/۲۳	مولفه ۱۰	
۷/۵۰	مولفه ۱۱	
۷/۱۰	مولفه ۱۲	
۶/۱۶	مولفه ۱۳	کالبد
۶/۶۹	مولفه ۱۴	
۶/۱۶	مولفه ۱۵	



شکل ۷. نمودار میانگین رتبه‌ای عوامل اثرگذار بر خصایص هستندگی در فضای مورد مطالعه

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که مولفه‌های مربوط به خصایص محیطی (مولفه‌های اول تا سوم)، به ترتیب با میانگین رتبه‌های ۱۰/۷۴، ۱۰/۲۶ و ۹/۹۰، مهم‌ترین مولفه‌های مربوط به خصایص هستندگی در فضای مورد مطالعه می‌باشند. از طرف دیگر مولفه‌های مربوط به خصایص کالبدی (مولفه‌های سیزدهم تا پانزدهم)، به ترتیب با میانگین رتبه‌های ۶/۱۶، ۶/۶۹ و ۶/۱۶، به عنوان کم‌اهمیت‌ترین مولفه‌های مربوط به خصایص هستندگی در فضای مدبق، توسط کارشناسان ارزیابی شده‌اند. همچنین مولفه‌های مربوط به خصایص ساختاری (مولفه‌های چهارم تا هفتم) و خصایص عملکردی (مولفه‌های هشتم تا دوازدهم)، با توجه به میانگین رتبه‌هایشان در سطح متوسط، ارزیابی شده‌اند. شایان ذکر است که نتایج مندرج در جدول ۵ نیز نشان‌داد آزمون مربع کای ($df = 14$ و $X^2 = 56/313$) معنی‌دار می‌باشد (با سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵). به بیانی دیگر میزان اهمیت شاخص‌های مورد مطالعه با همدیگر تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری دارند.

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون مربع کای در خصوص متغیرهای مورد مطالعه، منبع: یافته‌های تحقیق

شاخص آماری	مقدار
تعداد	۳۱
خی دو	۵۶/۳۱۳
درجه آزادی	۱۴
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

نظرات کارشناسان معماری مبین اینست که مباحث کالبدی در تجربه ادراکی فضای مدبق کم‌ترین تاثیر را داشته است که در مقایسه با شکل ۵ و عدم اقبال مصاحبه‌ها به حس بینایی، تاکید مجددی بر اولویت نسبی خصایص دیگر هستندگی فضای مدبق نظیر عملکرد و ساختار بر کالبد بناست. اولویت دادن به آن‌ها و عبارات خوشه بندی شده زیر مجموعه‌شان در نتایج حاصل، ضمن بیان این همانی انسان و فضای انسان ساخت و محیط پیرامونی، ایده در یکدیگر هستن آن‌ها را شاخص می‌سازد. رتبه عبارات زیر مجموعه محیط، نیز نشانگر اهمیت عوامل محیطی؛ استقرار، فضاهای پیرامونی، عرصه‌های درونی و بیرونی، حاشیه‌ها و افق‌ها، قلمرو و محصوریت، در تجربه ادراکی فضاست.

نتایج حاصل از مصاحبه‌های فردی و جمعی با محوریت ادراک حسی برخاسته از تجربه زیسته استفاده‌کنندگان فضای مدبق خانه با شیوه ساخت‌نیافته (خاطرات، احساسات، تصورات، تجارب و افکار) که در جدول ۶ ارایه گردیده‌اند، محرز نمود که آنها آگاهانه یا

ناخودآگاه اشتیاقی درونی برای رسیدن و قرار یافتن در خانه دارند و هر بازگشتی به آن نمایانگر مواجهه ماهرانه و صمیمی انسان با اشیاء و فضای معماری است و این پناه امن و آرام، ضمن آن که شکوه و فضیلت او را متجلی می‌سازد، مانوس و دوستانه به انتظار وی نشسته است.

جدول ۶. استخراج بخشی از مقوله هسته با تاکید بر ادراک حسی برخاسته از تجربه زیسته ساکنان فضا، مأخذ: نگارندگان

ردیف	تفاسیر و عبارات مهم با تاکید بر ادراک حسی برخاسته از تجربه زیسته ساکنان فضا	فراوانی در مصاحبه	فراوانی مجموع	کد فرعی	تم های معنی	مقوله هسته
۱	یادآوری لحظات پخت در خلال زمان یا روزهای استفاده از نان یا خوراک پخته شده	۸	۳۹	پختنی	طعم خاطره	مواجهه ماهرانه و صمیمی انسان با اشیاء و فضای معماری
۲	تجربه حس تازگی و تردی طعم‌های بکر و ناب در مجاورت آتش و فعالیت فضایی	۱۵				
۳	مزه کردن اولیه دستاورد پخت، در راستای اصلاح مواد ترکیبی یا پروسه پخت	۹				
۴	چشیدن، مقدمه‌ای بر عمری تجربه سنجش کیفیت مواد مورد استفاده	۶				
۵	حس گرمی نان تازه مناسب فک از تنور و شکنندگی نان تازه و چیدمان نان‌ها	۸	۷۱	بساوانی	تعانس تاملی	
۶	حس میزان گرمی تنور و دما و تمیزی وسائل و آمادگی عناصر جهت پخت	۱۴				
۷	حس گرمی حرکت متناوب پهن کردن خمیر زیر ورزنه و بین دستان و روی رفیده	۱۳				
۸	تجربه ادراکی میزان چسبندگی و روانی و گیرش خمیر برای آمادگی پخت	۱۵				
۹	حس نرمی و لطافت آرد و پروسه ترکیب با آب و روانی خمیر مایه	۱۲				
۱۰	حس خشکی و سختی توام با لبه‌های مضرس هیزم یا سرگین خشک...	۹				
۱۱	به یادآوری درگذشتگان و خاطرات مرتبط با بوی حین پخت در گذشته	۶	۴۲	بویایی	رایحه اغواگر	
۱۲	دعوت به حضور و تناول کودکان و جوانان اهل خانه پس از بیدار شدن	۹				
۱۳	تجربه حسی بویایی میزان پخت مواد و جلوگیری از ته‌گرفتن یا جزغاله شدن	۱۱				
۱۴	پیچیدن عطر نان یا غذا در فضا یا پیرامون نماد دعوت‌کنندگی فضا	۱۴				
۱۵	کاهش بوی دود به منزله دعوت به شروع پخت نان یا غذا	۱۲				
۱۶	بوی دود نمایانگر برافروختن آتش در راستای شروع اولیه کار	۱۰				
۱۷	صدای جمع‌آوری وسایل چوبی، فلزی، پلاستیکی، فلزی؛ صدای لذت استراحت	۷	۵۰	شنوایی	ضربانگ طبیعت	
۱۸	صدای پخت، برشته شدن، قل زدن بر تنور، نوای خوش دستیابی به مقصود	۱۱				
۱۹	هارمونی و ریتم موزون کار پخت نان، از ورزنه به دست، به رفیده و کوبیدن بر تنور	۸				
۲۰	نوای آتش، صدای حزین فنا شدن و تولدی دیگر با دگرگونی در ماهیت مواد	۵				
۲۱	همهمه نانوایان و آشپزان نشانه ای از شروع یا جریان فعالیت در فضا	۱۳				
۲۲	صدای ریختن هیزم و ... در تنور، صدای دلنشین در هم‌تنیدگی طبیعت بی‌جان	۶				
۲۳	نظم پنهان در چیدمان عناصر کاربردی در امتداد دید و دسترسی	۵	۶۰	بنیایی	اعتشاش نظام مند	
۲۴	آشفتگی بصری مضاعف و به‌هم‌ریختگی وسائل در حین استفاده	۷				
۲۵	رویت میزان پخت مواد غذایی به کمک فرم و رنگ و نحوه ترکیب اجزا	۱۱				
۲۶	تمیزی و نظافت دایمی عناصر و فضا و رعایت همیشگی بهداشت	۱۱				
۲۷	نمایانی دود پیرامون فضا، نمایش شروع فعالیت و استفاده از فضا	۷				
۲۸	تعدد اشیا پیرامونی ریز مقیاس و کاربرد محور در عین کوچکی فضا	۴				
۲۹	عدم وجود تزیینات در بدنه بنای معماری و عناصر مبلمانی	۹				
۳۰	ارتباط نزدیک بصری حاضرین با یکدیگر و با اشیاء	۶				

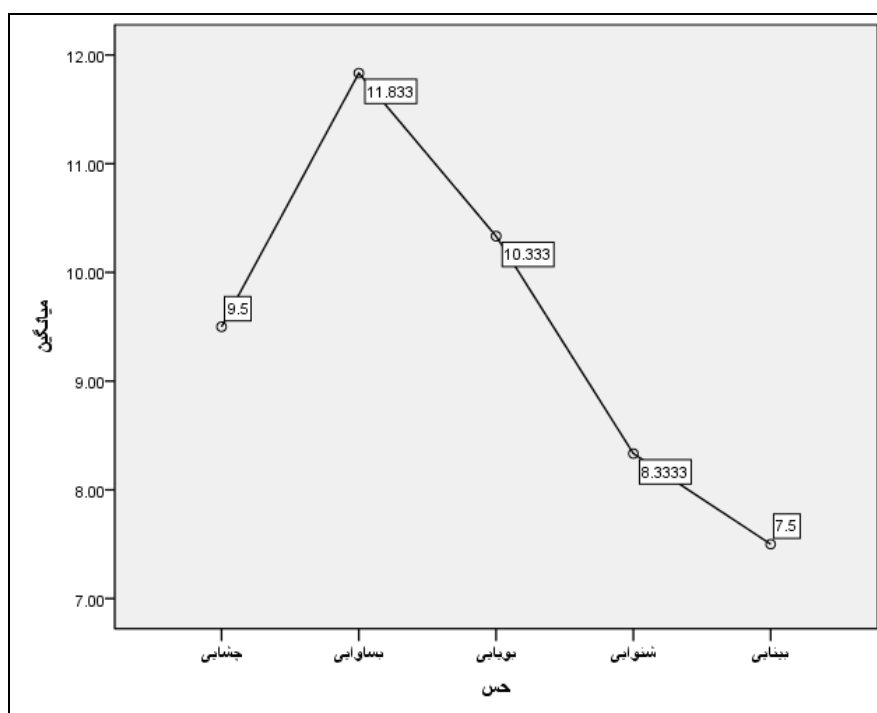
مقوله هسته در جدول فوق، نشانگر حضور آگاهانه انسان با تمامی حس‌هایش در یک فضا است که حضور مکرر در آن علاوه بر ایجاد خاطره در فرد، وی را برای دعوت مجدد و سوسه نموده و فرد مواجهه‌ای ماهرانه و صمیمی با فضا و اشیا به ظاهر معشوش و باطنا نظام‌مند دارد که از آن نباید به عنوان عادت(عادی شدن فضا) نام‌برد. پژوهش آشکار نمود که معماری قویاً ریشه در

«احساس‌های نخستین» دارد که شکل‌دهنده «واژگان مبنایی و اصیل» معماری‌اند. تنها معماری راستین قادر است تا شرایط و وضعیت‌های پایه، احساس‌ها و هیجانات، و وجوه وجودی انسان را تمام و کمال پوشش دهد. در ادامه به منظور ارزیابی تأثیرات فضایی حس‌های پنجگانه بر اساس تعداد اشارات به هر حس در تم‌های مستخرج از نظرات مصاحبه‌شوندگان، از آزمون‌های ANOVA و LSD استفاده شده‌است که نتایج آن در قالب جداول ۷ و ۸ و همچنین شکل ۸، ارائه شده‌اند.

جدول ۷. آنوای یک‌راهه مولفه‌های حسی در ادراک حسی فضای مورد مطالعه، منبع: یافته‌های تحقیق

سطح معنی داری	آماره F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	آیتم‌های آماری
۰/۰۹۷	۲/۲۰۷	۱۹/۱۱۷	۴	۷۶/۴۶۷	بین گروهی
		۸/۶۶۰	۲۵	۲۱۶/۵۰۰	درون گروهی
			۲۹	۲۹۲/۹۶۷	کل

مندرجات جدول (۱) به خوبی نشان می‌دهد که اختلاف معنی‌داری بین میزان درگیری پنج حس با فضا وجود ندارد (سطح معنی‌داری آماره F بیشتر از ۰/۰۵). به بیان دیگر در ادراک حسی فضای مورد مطالعه، تمامی حس‌ها به صورت توأمان مشارکت داشته و ادراک نهایی فضا بر اساس گستره آمیزه‌ای از حس‌ها بدون برتری مشهود هیچ یک از آن‌ها اتفاق می‌افتد. هر چند مندرجات شکل ۵ بیانگر این است، که میزان اهمیت ادراک بر اساس حس بساواایی (با میانگین رتبه ۱۱/۸۳۳) به ویژه در مقایسه با حس‌های چشایی (با میانگین رتبه ۸/۳۳۳) و بینایی (با میانگین رتبه ۷/۵) تا حدودی شاخص است، ولی در مقایسه کلی اختلاف معنی‌داری بین درگیری حس‌ها قابل تشخیص نیست.



شکل ۸. اختلاف میانگین مولفه‌های بررسی شده در فضا مورد مطالعه

جهت روشن‌تر شدن مساله در ادامه نتایج آزمون تعقیبی LSD در جدول ۴ ارائه شده‌است. شایان ذکر است که از آن‌جا که تنها تفاوت معنی‌دار موجود بین حس‌های بررسی شده مربوط به حس بساواایی با سایر حس‌ها می‌باشد، تنها به گزارش نتایج مربوط به مقایسه حس بساواایی با سایر حس‌ها بسنده شده‌است. نتایج مندرج در جدول ۴ نیز توضیحات فوق را تأیید می‌نماید، به طوری‌که میانگین نمرات مربوط به حس بساواایی تنها با میانگین نمرات دو حس شنوایی (با تفاوت میانگین ۳/۵۰۰) و بینایی (با تفاوت

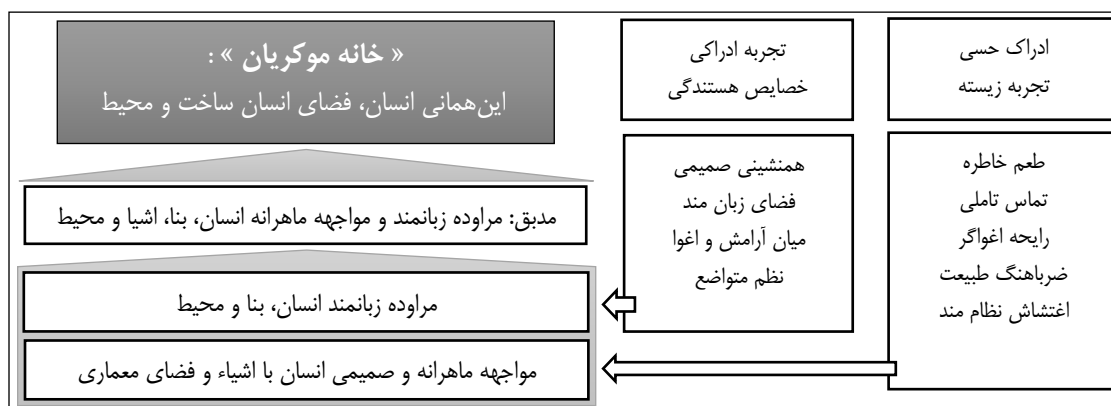
میانگین (۴/۳۳۳) معنی دار می باشد. لذا نمی توان گفت که برتری حس بساوایی کلی و قابل تعمیم است. لذا می توان چنین نتیجه گرفت، که ادراک حسی یک فضا توسط حس های انسان توامان اتفاق می افتد، هر چند ممکن است در این درگیری سهم بعضی از حس ها اندکی بیش از حس های دیگر - ولو نامحسوس - باشد.

جدول ۸. مقایسه حس بساوایی با سایر حس ها بر اساس میانگین نظرات پاسخ دهندگان در آزمون تعقیبی LSD

معنی داری	خطای انحراف استاندارد	تفاوت میانگین ها	گروه ها
۰/۳۳۱	۱/۸۹۹	۲/۳۳۳	حس چشایی
۰/۳۸۶	۱/۶۹۹	۱/۵۰۰	حس بویایی
۰/۰۵۰	۱/۶۹۹	۳/۵۰۰*	حس شنوایی
۰/۰۱۲	۱/۵۸۹	۴/۳۳۳*	حس بینایی

نتیجه گیری

خانه های بومی منطقه موکریان، جزء مناطق بکر و کمتر مطالعه شده و بالتبع کمتر کاویده شده ایران، به عنوان مراکز حضور و تجارب انسانها، مبتنی بر نوعی آگاهی خاص مبتنی بر حسیت و تجربه ادراکی برخاسته از آن هستند که آنها را به عنوان مراکز پرمحتوا و عمیق از هستی و ارزشهای بشری معرفی می نمایند، که حاصل از وجود ارزشهای بشری خاص، کاراکتر محیطی و معانی موجود در آن می باشد. با توجه به مفهوم خانه و معانی متمرکز در آن که به واسطه حسیت و تجربه ادراکی انسان آشکار می شوند، مفاهیم گوناگون در رابطه با چگونگی و عمق حضور انسان در خانه و به تبع آن دستیابی به سطوح مختلفی از معنای خانه بازشناسی می شوند. این سطوح در مطالعات پدیدارشناسانه نگارندگان، خود را به شیوه زیر هویدا نموده اند:



شکل ۹. نمودار تخلیص یافته ها با تاکید بر آشکارگی معنای خانه برخاسته از حسیت و تجربه ادراکی ساکنان

پژوهش حاضر، ضمن رمزگشایی معانی و تعبیر پیدا و پنهان، با تاکید بر تجربه های زیسته ساکنان و خصایص هستندگی خانه های منطقه موکریان ایران، خانه را «این همانی انسان، فضای انسان ساخت و محیط» می داند، که مبین این است که ساکنان این خانه ها، چنان با این گوشه ی دنج کوچک خود خو گرفته اند که تن، حافظه و تخیل خویش را به بافت مادی آشنا، قابل اعتماد و مصون از تعرض آن فرافکنده اند. یافته های بخش کیفی پژوهش بیان کننده این است که، در فرایند ادراک بنا، مغز ما اطلاعات بینایی، شنوایی، بویایی و حتی لامسه را با هم ترکیب می کند تا به دریافت یکپارچه ای که نشانگر حضور آگاهانه انسان با تمامی حس هایش در یک فضا و مد نظر فرآیند ادراک است برسد و عملا این شخصیت هستند است که بر هستی فضای خانه و محیط آن رسوخ می کند و با آن ها یکی می شود. یافته های بخش کمی پژوهش نیز ضمن تایید یافته های بخش کیفی، بیانگر اینست که در ادراک حسی فضا، تمامی حس ها به صورت توامان مشارکت داشته و ادراک نهایی فضا بر اساس گستره آمیزه ای از حس ها بدون برتری مشهود هیچ یک از آن ها (خصوصا بینایی) اتفاق می افتد. فهم مبتنی بر نگرستن آشکارنده، ناب و در عین حال ساده و بی

تکلف، به تدارک بستری برای تاویلی نو و بدیع از پدیدار خانه آن چنان که در ادراک حسی و تجربه ادراکی انسان حضور و معنا دارد، به منبع غنی برای الهام و انگیزش در آفرینش خانه و اندیشیدن به آن می‌انجامد.

References

- Akbari, A., & Falamaki, M. (2016). Investigating the position of "feeling" and "sensory perceptions" in the phenomenology of built-up space. *Journal of Iranian Anthropology Research*, 6(1), 7-21. (In Persian).
- Arendt, H. (2012). *Life of the Mind, Vol. 1: Thinking*. Translation by Massoud Oliya, Qoqnoos Publishing, Tehran. (In Persian).
- Asghari, M. (2015). Merlopony's phenomenological approach to the relationship between art and body. *Scientific Journal of Pazhuhesh-e Honar, Isfahan University of Art*, 5(10), 1-10. (In Persian).
- Bazargan Harandi, A. (2008). *Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods: Common Approaches to Behavioral Sciences*. Didar Publishing, Tehran. (In Persian).
- Behzadfar, M., & Shakibamanesh, A. (2014). An Investigation on the Philosophy of the Place of Appearance; An Examination of David Simon's Thoughts on the Concept of a House as a Place. *Journal of City Identity*, 8(17), 1-14. (In Persian).
- Buttimer, A., & Seamon, D. (1980). *The Human Experience of Space and Place*, Croon Helm, London.
- Carmen, T. (2011). *Merlo-ponty*. Translation by Massoud Oliya, Qoqnoos Publishing, Tehran. (In Persian).
- Carmen, T., & Hansen, M. (2012). *Merlo-penti praises philosophy*. Translation by Haniye Yasseri, Qoqnoos Publishing, Tehran. (In Persian).
- Castelles, Manuel. (1977), *the Urban Question*, Cambridge, *the MIT Press*.
- Copelston, Frederick Charles. (2009). *The History of Philosophy*. Vol. 9. Translation by Abdolhossein Azarang and Seyyed Mohammad Yousef Sani, Fourth Edition, Elmi Farhangi Publishing Co, Tehran. (In Persian).
- Diprose, R. (2012). *Corporeal Generosity: On Giving with Nietzsche, Merleau-Ponty, and Levinas*. New York: *State University of New York Press*.
- Dovey, K. (1985), Home and homelessness In: Irwin, A and W. Carol (eds.) *Home environments*, Springer. 33-50.
- Ebrahimi Dinani, G. (2002). Fiction and Art. *Journal of khiyal*. 1(2), 6-11. (In Persian).
- Ebrahimi Asl, H., Panahi, S., & Froutan, M. (2017). Understanding the parallax component and its rooting in Steven Hall's philosophy of design (Case Study: Helsinki Museum, Inside Exploration and Time Taking). *Journal of Bagh- e Nazar*. 14(50), 65-74. (In Persian).
- Falahat, M., Kamali, L., & Shahidi, S. (2017). The role of the concept of the sense of place in improving the quality of architectural protection. *Journal of Bagh- e Nazar*, 14(46), 22-15. (In Persian).
- Fish, W. (2012). *The philosophy of sensory perception*. Translation by Yaser Pourasmaeil, Hekmat Publishing, Tehran. (In Persian).
- Flick, E. (2008), *Income on qualitative research*. Translated by Hadi Jalili, Nashreney Publishing, Tehran. (In Persian).
- Frederick C, B. (2014). *Navalis*. Translation by Seyyed Mohammad Javad Seyedi, Ruzbehan Publishing, Tehran. (In Persian).
- Friesen, N. & Henricksson, C. & Saevi, T. (2012). *Hermeneutic Phenomenology in Education*. Rotterdam: *Sense Publishers*.
- Hall, Edward. T. (2013). *Hidden next*. Translated by Manouchehr Tabibian, Seventh Edition. Tehran University Press. Tehran. (In Persian).
- Hopp, W. (2012). "Perception". *The Routledge Companion to Phenomenology*. Edited by Sebastian Luft and Soren Overgaard, *New York and London: Routledge*.

- Kim, Y. (2013). Recovering sensory pleasure through spatial experience. Unpublished master's thesis. Cincinnati: *University of Cincinnati*.
- Lawson, B. (2012). *Space and Human Dimensions*. Translation by Ali Reza Einifar, Fouad Karimian, Tehran University Press, Tehran. (In Persian).
- Merleau-ponty, M. (2012). Phenomenology of perception, trans.Landes, D.A.A bingdon and New Yourk: *Rotledge*.
- Mostafavi, S. (2012), Heidegger and Phenomenology of Hermeneutics of Art. *Journal of Kimiya-ye-Honar*. 3. 47-54. (In Persian).
- Pakzad, J., & Bozorg, H. (2012). *Alphabet of Environmental Psychology for Designers*. Armanshahr Publishing, Tehran. (In Persian).
- Pallasmaa, J. (2013). *The intellectual hand, the wisdom of being embodied in architecture*. Translation by Ali Akbari, Parham Naghsh Publishing, Tehran. (In Persian).
- Pallasmaa, J. (2014). *Skin eyes, architecture and sensory perceptions*. Translation by Ramin Ghods, Correction of Ali Akbari, Parham Naghsh Publishing, Tehran. (In Persian).
- Piravi Vanak, M. (2010). *Phenomenology for Merlopony*. Porsesh Publishing, Abadan. (In Persian).
- Pirovolakis, E. (2013). "Derrida and Husserl's Phenomenology of Touch: "Inter" as the Uncanny Condition of the Lived Body". *Word and Text, the Journal of Literary Studies and Linguistics* 2, 99-118.
- Saegert, Susan (1985). The role of housing in the experience of dwelling.in .Altman. I and c. Werner (Eds). Home environments. *Plenum press*. 287-319.
- Saunders, Peter Robert (1990), A Nation of Home Owners, *Unwin Hyman*, London.
- Sebti, S., & Khabbazi Konari, M. (2016). Body in the phenomenology of Husserl, Merlopony and Levinas. *Journal of Hekmat and Philosophy Magazine*, 12(3), 75-98. (In Persian).
- Stefanovic, L. (2015) Phenomenology, philosophy, and Praxis. *Environmental and Architectural Phenomenology*, 25(3):40.
- Strauss, A., & Carbine, J. (2013). *Principles of qualitative research, techniques and stages of the field theory*. Translated by Ibrahim Afshar, Third Edition. Nashreney Publishing. Tehran. (In Persian).
- Tsai, S (2012), Place attachment and tourism marketing: Investigating international tourists in Singapore, *International Journal of Tourism Research*, 14(2), 139-152.
- Zumthur, Peter. (2015). *Thesis architecture*. Translation by Ali Reza Shlouiri, Herfeh-Honarmandr Publishing, Tehran. (In Persian).

How to cite this article:

Golabi, B., Bayzidi, Q., Tahmasbi, A., & Sahabi, J. (2020). The phenomenon of perceptual perception and perceptual experience of native home (Case Study: Medbaq of Mokrian region Homes). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(4), 913-929. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672118.html

The Phenomenon of Perceptual Perception and Perceptual Experience of Native Home (Case Study: Medbaq of Mokrian Region Homes)

Bayezid Golabi

PhD Candidate, Dep. of Architecture, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Qader Bayzidi*

Assistant Professor, Dep. of Architecture, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Arsalan Tahmasbi

Assistant Professor, Dep. of Architecture, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Jalil Sahabi

Assistant Professor, Dep. of Social Science, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Received: 02 May 2018

Accepted: 03 November 2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The present research seeks to explore the meaning of the architecture of the native homes of the Mukherian region of Iran, which is based on the senses and perceptual experience. The ultimate goal of the research is to discover the deep relationship between them and express a scientific method for the visualization of the sensory perception of architecture and the perceptual experience of the home with the disclosure of the degree of conflict between the senses and the space and the importance of the characteristics of the perceived experience in the home Mokrian is The subtle phenomenon of the house in order to explain our conscious relationship between the world and the region in the pristine, rich, and less studied region of "Mokrian", in the south of the West Azarbaijan province, and mainly Kurdish, has been emphasized with the emphasis on the attitude and perception of humans at home and sought to identify The main structures of the relation between human senses, the perception of the space created by the case study of a home-the-home-room, and the discovery of the deep meaning of the perception of the home and the experience of the home in the area. The present research seeks to answer these two main questions:

1. How does the discovery or recognition of the concepts involved in the senses and perceptual experience of the home, through phenomenology, come about?
2. With the reduction of the dignity of the five senses and the extreme focus on the sense of vision in today's world of vision, what other senses of the human being are the physical dimensions of the houses of the Mokrian region and how will they emerge and be linked to them?

Methodology

The present study was initially conducted using a phenomenological approach and then a qualitative descriptive method and its analytical system is a qualitative and quantitative method. The seven-step multivariate method and MAXQDA software were used to analyze the information and provide the core category and SPSS software was used to measure it. . In this study, the phenomenological method was first used to extract the meaning of the literary concept of this concept and the experience of living in it. At the beginning, the researcher with the presence in the studied area and immersion in the architecture of the Mokarian homes and

* Corresponding Author

Email: q_bayzidi@iausdj.ac.ir

conducting open and deep interviews and the recording of field writings under the headings of life experience and characteristics of the information gathering as a component of one We have been building the house called "Present (bread baking space)". In order to compare the sensitivity of the senses in space, according to the amount of repetition of each phrase, a sensation was used in the interviews. ANOVA and LSD tests were used. In order to measure the importance of the expressions extracted from the characteristics, based on the five Likert spectrum from the knowledgeable experts A total of 31 individuals (out of a total of 67 local experts at postgraduate level, according to the nobility on the subject, only 31 were announced), and Friedman's nonparametric test was used. It is worth mentioning that SPSS software was used to perform the above tests. Cronbach's alpha, KMO, and Bartlett tests were used to evaluate the reliability and structural validity of the questionnaire provided by the experts in SPSS software.

Results and Discussion

The important interpretations with the participation of residents and the emphasis on "sensory perception" and "the nature of human experiences" were identified and classified under 45 critical terms; then each of the terms was interpreted and clustered according to similarity or difference. Finally, 5 themes of meaning were identified under the titles of the taste of memory, tangible touch, sentimental fragrances, nature rhythms, systematic disturbance, and under the core category of "Extremely Exposed Exposure". An Intimate Man with Objects and Architectural Space. "ANOVA and LSD tests were used to measure the amount of conflict between five senses and space. In the study of important interpretations and phrases focused on the perceptual experience of space, four themes of meaning under the titles of synonyms, the linguistic space, between tranquility and seduction, moderate order under the category of "linguistic communication between man, building and environment". In order to measure the importance of the extracted terms from the perceptual experience of space characteristics, the reliability and reliability of the measured components were measured using Cronbach's alpha, KMO and Bartlett's alpha. These nine theme themes were considered as the main components of the meaning of the Mukarian Native House, and the core category was identified. Then, in the third stage, a core category called "Mukrian House": the identity of man, human space and environment "was chosen as the true meaning of the houses of the Mokrian region of Iran.

Conclusion

The findings of the research show that, along with the conscious presence of humans in space, the ultimate perception of space is based on the range of excitements without any apparent superiority (notably visibility), and ultimately, actually, this personality is intrinsic to the existence of the house and its environment. And with them one gets. The findings of the qualitative section of the research indicate that, in the process of perception, our brain combines visual, auditory, olfactory, and even tactile information in order to obtain an integrated representation of the conscious presence of man with all his senses in a space. The process of perception has to be considered, and practically this is the essence that permeates the existence of the space of the house and its environment and becomes one with them. The findings of the quantitative section, while confirming the findings of the qualitative section, indicate that in sensory perception of space, all the senses participate in the same way, and the final perception of space is based on the range of excitements without any apparent superiority (notably visual).

Keywords: Home, sensory perception, perceptual experience, phenomenology, Mokrian area